

به کمک برادرش ابومسعود علی بن محمد انجام داد.^۱ نام هر دو بر روی سنگی بدین ترتیب روی دیوار نوشته شده است:^۲ «أمر بعمارة مسجد عایشه ام المؤمنین بأمر منه الرئيس الأجل السيد فخر الرؤسا و مغيث / مغيث الحرمين أبو النصر إبراهيم بن محمد بن علي عنه و عن أخيه ذی المحاسن ابي مسعود علي بن محمد بن علي تقبل الله عملهما و بلغهما في الدارين أملهما و شكر سعيهما ولا قطع من الحرمين أثرهما».^۳

بر پایه گزارشی، ابونصر صدقات فراوان را به تهیدستان مکه و مدینه اختصاص داد و این کار به طور مستمر تا یک سال ادامه یافت.^۴ از همین رو، او را مغيث الحرم لقب دادند.^۵ بر پایه گزارشی ضعیف، ابونصر این کار را به فرمان سلطان ملکشاه سلجوقی (م. ۴۸۵ق.) پسر آلب ارسلان و برای ادای نذر وی انجام داده است.^۶ گفته شده این دارایی متعلق به سلطان ملکشاه بود که نذر داشت تا پس از نجات از حبس و دشواری‌ها آن را هزینه کند.^۷

← منابع

اتحاف الوری باخيار ام القرى: عمر بن محمد بن فهد (م. ۸۸۵ق.)، به كوشش فهيم محمد، مکه، جامعة ام القرى، ۱۴۰۴ق؛ اخبار مکه و ما جاء فيها من الآثار: الارزقي (م. ۲۴۸ق.)، به كوشش رشدی الصالح، مکه، دار الثقافة، ۴۰۳ق؛ تاريخ دولت آل سلجوق: عماد الدين محمد بن محمد الاصفهانی (م. ۵۹۷ق.)، بیروت، دار الأفتاق الجديده، ۱۹۸۰م؛ التاريخ القويم: محمد طاهر الكردي، بیروت، دار الخضر، ۱۴۲۰ق؛ تاريخ مکه: احمد السباعی (م. ۱۴۰۴ق.)، به كوشش رسول جعفریان، تهران، مشعر، ۱۳۸۵ش؛ تحصيل المرام: محمد بن احمد الصباغ (م. ۱۳۲۱ق.)، به كوشش ابن دهيش، مکه، مكتبة الاسدي، ۱۴۲۴ق؛ التحفة اللطيفة: شمس الدين السخاوی (م. ۹۰۲ق.)، بیروت، دار الكتب العلمية، ۱۹۹۳م؛ شفاء الغرام: محمد الفأسی (م. ۸۳۲ق.)، ترجمه: محمد مقدس، تهران، مشعر، ۱۳۸۶ش؛ العقد الثمين في تاريخ البلد الامين: محمد الفأسی (م. ۸۳۲ق.)، به كوشش محمد حامد، بیروت، الرساله، ۱۴۰۶ق؛ مرآة الحرمين: ابراهيم رفعت پاشا (م. ۱۳۵۳ق.)، بیروت، دار المعرفة، ۱۳۲۷ق؛ ميقات حج (فصلنامه): تهران، حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت.

هاشم مالکی



ابراهيم پاشا ← محمد علی پاشا

ابرق: مال اهدایی به کعبه

أَبْرَقٌ به معنای چیزی است که در آن سیاه و سفید همراه شده باشند^۸ یا سنگ و گل و یا

۸ لسان العرب، ج ۱۰، ص ۱۶؛ مجمع البحرين، ج ۴، ص ۱۸۹ «ابرق».

۱. العقد الثمين، ج ۲، ص ۲۶۱؛ اتحاف الوری، ج ۲، ص ۴۷۵.

۲. العقد الثمين، ج ۳، ص ۲۶۱؛ اتحاف الوری، ج ۲، ص ۴۷۵.

۳. العقد الثمين، ج ۳، ص ۲۶۱؛ اتحاف الوری، ج ۲، ص ۴۷۵.

۴. العقد الثمين، ج ۳، ص ۲۶۳؛ اتحاف الوری، ج ۲، ص ۴۷۶.

۵. اتحاف الوری، ج ۲، ص ۴۷۵.

۶. تاريخ آل سلجوق، ص ۴۶-۷۵.

۷. اتحاف الوری، ج ۲، ص ۴۷۶.

عده گرفت. آن گاه جوان به راحتی جان سپرد.^۷ (← هدایا)

◀ منابع

اخبار مکه: الازرقی (م. ۲۴۸ق.)، به کوشش رشدی الصالح، مکه، مکتبه الثقافه، ۱۴۱۵ق؛ تاج العروس: الزبیدی (م. ۱۲۰۵ق.)، به کوشش علی شیری، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴ق؛ اریخ مکه المشرفه: محمد بن احمد ابن الضیاء (م. ۸۵۴ق.)، به کوشش علاء و ایمن، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۴ق؛ لسان العرب: ابن منظور (م. ۷۱۱ق.)، قم، ادب الحوزه، ۱۴۰۵ق؛ جمع البحرین: الطریحی (م. ۱۰۸۵ق.)، به کوشش الحسینی، تهران، نشر الثقافه الاسلامیه، ۱۳۷۵ش؛ معجم البلدان: یاقوت الحموی (م. ۶۲۶ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۹۹ق؛ معجم ما استعجم: عبدالله البکری (م. ۴۸۷ق.)، به کوشش السقاء، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۰۳ق؛ معجم مقاییس اللغه: احمد بن فارس (م. ۳۹۵ق.)، به کوشش عبدالسلام، قم، دفتر تبلیغات، ۱۴۰۴ق.

سید خلیل جوادی



ابرهه: فرمانده سپاه حبشه در تهاجم به

مکه پیش از اسلام

أبرهه نامی حبشی است^۸ که عرب‌ها از آن استفاده نکرده‌اند.^۹ گروهی نیز با بیان ریشه سه

۷. اخبار مکه، ج ۱، ص ۲۴۷؛ تاریخ مکه المشرفه، ج ۱، ص ۱۱۷.
 ۸. الاشتقاق، ج ۱، ص ۵۳۲؛ جمهره اللغه، ج ۱، ص ۳۳۱، «بره».
 ۹. المعرب، ص ۱۶.

شن و خاک در آن آمیخته باشد.^۱ نیز به هر زمین یا کوهی که دارای دو رنگ باشد، ابرق گفته می‌شود.^۲ مکان‌هایی بدین نام در حجاز وجود دارند.^۳ از میان مورخان، تنها ازرقی از ابرق به معنای مال کعبه یاد کرده است.^۴ به گفته وی هدایای کعبه درون چاهی ریخته می‌شد که ابراهیم و اسماعیل علیهم السلام هنگام پایه‌گذاری خانه خدا آن را کننده بودند.^۵

شاید به سبب رنگارنگ بودن و گوناگونی این اموال اهدایی، آن‌ها را ابرق می‌گفته‌اند. مردم برای این مال حرمت فراوان قائل بودند و باور داشتند که این مال در صورتی که با مالی دیگر آمیخته شود، موجب نابودی آن خواهد شد و کمترین گرفتاری برای دارنده چنین مالی، دشوار شدن جان کندن اوست.^۶ به گزارش ازرقی از عبدالله بن زراره، جان دادن جوانی از پرده‌داران کعبه دشوار شد و پس از اعتراف وی به ربودن ۴۰۰ دینار از اموال کعبه، پدرش پرداخت آن را بر

۱. معجم مقاییس اللغه، ج ۱، ص ۲۲۶؛ معجم البلدان، ج ۱، ص ۵۹، ۶۵؛ لسان العرب، ج ۱۰، ص ۱۶، «برق».
 ۲. تاج العروس، ج ۱۳، ص ۲۱، «برق».
 ۳. معجم ما استعجم، ج ۴، ص ۱۲۲۶؛ نک: معجم البلدان، ج ۱، ص ۶۹.
 ۴. اخبار مکه، ج ۱، ص ۲۴۷-۲۴۸.
 ۵. اخبار مکه، ج ۱، ص ۲۴۵.
 ۶. اخبار مکه، ج ۱، ص ۲۴۸.